

## تغییر عناصر شهرهای اسلامی در گذار به شهرسازی مدرن

ژیلا سجادی<sup>۱</sup>، حسن جنگی<sup>۲</sup>، فاطمه صفامقدم<sup>۳</sup>

### چکیده

آنچه بر کالبد شهر اسلامی روحی زنده و پویا بخشیده و آن را از همتایان اروپایی خود متمایز ساخته؛ ردایی است بلند قامت که بر طارق معماری اسلامی نقش بسته و هویتی الهام بخش بدان بخشیده است. منظره شهر اسلامی که اوج ظرافت خود را در قرون ۳ و ۴ ه.ق به تجلی نشانده بود، با گذر از التهابات عصر صنعتی شدن، آن چنان در گیر و دار تغییر و تحول برون گرا قرار گرفت که تنها توانست نوعی اختلاط بی قواره و مشکل زا را به ارمغان آورد. آنچه بیش از هر چیز در فضای شهر اسلامی زخمی عمیق بر جان گرفت، عناصری بودند که به گونه ای پیراگر و زینت بخش فضای شهری بودند. هیبت کابوس وار صنعت و سرمایه داری چنان بر شهر اسلامی سایه افکند که شهری ویرای گنبد و شهری فراتر از نگاه بر منظر قائم در گلدسته های مساجد را به عنوان آرمانشهر خود در ذهن ساکنانش پرورش می داد. جامه کنونی شهر اسلامی در منظر هر بیننده غربی نیز مفهومی بسیار مبهم و دو پهلو بر تن پوشانده و کالبدی گیج کننده را در ذهن می پروراند. تطابق شهر اسلامی در مقابل تظاهر با تفسیر جدیدی از عناصر شهری که بزرگ را بر کوچک و زلال ترجیح می دهد خصیصه اصلی چنین آرمان شهری است. شاید مطالعه اسنادی بخشی از حقایق فوق را اثبات نماید.

**واژگان کلیدی:** شهر اسلامی، مسجد، ارگ، بازار، کاروانسرا و حمام

۱. دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران  
avicenna\_jangi@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران

فراروی باورهای جاهلیت و عصیبت قبیله ای، نوعی تقدس شرقی با رنگ و بوی عرفانی به تجلی نشست که در اصول مقدماتی آن نوعی اشرافیت گریزی و مردم محوری به وضوح نمایان بود. این آرمان با پیروی از اندیشه های ایدئولوژیکی محمد(ص) مهد اولیه خود را در شهر مکه انتخاب کرد که به ام القری مشهور بود<sup>۱</sup>. سرانجام نهال اسلام در این شهر روئیده شد.

این باور حتی در جوامع غربی نیز بسیار قوی است که اسلام آیینی است شهری (هورانی، ۱۹۷۰) و عناصر شهری آن چون مسجد جامع، بازار و حمام شرایط را برای عبادت مسلمانان مهیا می ساختند (ابولقود، ۱۹۸۳). بسیاری از ویژگی های شهر اسلامی حاصل تجلی مفاهیم اسلامی در زندگی شهری است. شهر اسلامی فرم های ارتباطی و عناصر تزئینی بر اساس ایده های اسلامی است (بمات، ۱۳۶۹: ۱۰).

از لحاظ تاریخی می توان گفت، شهر اسلامی سعی در تسلای زخم عمیق کالبد خویش است. بر جامه جهالت خویش آتش می زند و بر تار و پود خسته اش مرهمی از یار آسمانی می زند. نوای زبانش صوت اذان است و قلب تپنده اش مسجد. این آرمان شهر اسلامی سعی در ارائه سیمای روشن از هویت خویش است؛ چنانچه همتای غربی را نیز با نوای مسیحایی کلیسا و ناقوس قرون وسطائی اش می ستاید. شهر اسلامی از جسم دل می کند و با قلب هم آغوش می شود. این چنین است که نغمه های موزونش فرد سرگشته را از حاشیه می رهاند تا به کانون برساند.

با این هویت یکپارچه و موزون است که حتی نظریه پردازانی که از ملاکهای: بقاء (وجود مقدار کافی مواد غذایی)، ایمنی (دوری از خطر و سموم) و سازگاری (محیطی که حامی آهنگ موزون طبیعت بدن مانند خواب باشد) به عنوان ملاک

<sup>۱</sup> - وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا (شورا آیه ۷) این چنین قرآنی عربی به تو وحی کردیم تا مردم شهر مکه و اطراف آن را انداز بدهی.

اصلی شهر یاد کرده اند. همچنین معتقدند مناسب ترین طرح برای بخش مرکزی شهرها همان طرحی است که از قرن‌ها پیش، بخشی از مرکز شهرهای اسلامی را رونق داده و سامان بخشیده است (شکوئی، ۱۳۷۳: ۱۹۵).

اگر این جمله قابل قبول باشد که سه عنصر انسان، رفتار و کالبد در ایجاد فضای کالبدی شهر دخیل می باشد، برای شهر اسلامی عناصر جهان بینی توحیدی، اخلاق و رفتار اسلامی و عمل و ارتباط اسلامی با عالم نقش بیشتری دارند. از اشتراک این عناصر است که ما عنوان مصداق را برای شهر اصیل اسلامی به کار می بریم که در آن مسلمانان موحد بر اساس دستورات و اخلاق اسلامی رفتار و عمل کرده و تجلی گاه ارزش های اسلامی می باشند. ظهور اسلام نیز به منزله غلبه شهرنشینی بر بدویت و ایجاد فضای شهری مناسب برای حفظ شخصیت انسان، رکن اصلی محیط زیست است (ابن عصم، ۱۳۸۵: ۱) و آنچه در کالبد مکانی آن شامل عناصر مذهبی یعنی مساجد، آرامگاهها، مدارس، حسینیه ها، تکایا و مصلی ها و عناصر غیر مذهبی شامل پلها، کاخها، کاروانسراها، حمامها، بازارها، قلعه ها و آب انبارها بسیار تاثیر گذار بود. تفوق نقش آرمانی دین بر مادیت زمینی بود که بسیاری از رفتارهای مسلمانان را نیز در مسیر تعالی هدایت می کرد. این بناهای دوره اسلامی، مکانی برای عبادت، تجارت و سکونت فراهم می کردند. بدین ترتیب گستره مکانی شهر اسلامی را در دوران اوج از شامات تا چین در خاور و جزیره خالدات و اندلس و شمال آفریقا در باختر رساندند.

### اصول حاکم بر شهر اسلامی

با توجه به ساختار کلی معارف اسلامی در نظام جامع اندیشه اسلام، اصول و مبانی احکام فقهی و عرفانی نقش بسزایی در شکل گیری تمدن اسلامی ایفا می کنند.

#### ۱- اصل سلسله مراتب:

بنابراین اصل، فضای شهری در رابطه با فضاهای واقع در مراتب پایین تر یا بالاتر خود تعریف می شود و فارغ از این مرتبه مکانی، معنایی ندارد. در واقع بر مبنای این اصل، هر

فضای شهری یا بنا و معماری، دارای درون و بیرون است. در درون، زیر نظم های خود را شکل می بخشد و در برون، از نظم های فراتر تأثیر می پذیرد (اهری، ۱۳۸۲: ۵۲). این اصل به معنای ارتباط زنجیروار سلسله مراتب اختیارات از صدر تا ذیل با یکدیگر است. اصل سلسله مراتب ارتباط قلمروهای مختلف محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) تعریف می کند و به تعریف سازی شهروند اسلامی برای دسترسی به مکان های مختلف می پردازد.

## ۲- اصل کثرت

فضای شهری در انبساط خویش روی به کثرت دارد و تنوع، روی به تجزیه شدن دارد و گوناگونی. در این تکثیر شدن و گوناگونی، هر جزء و عنصری فارغ از دیگر اجزاء و عناصر، هویت، شخصیت و معنای خویش را دارد. هر جزء خود کلی می شود در مقیاس مربوط به خود و این چنین است که ناگاه در اجتماع عناصرش به یک واحد آرمانی رسیده و کثرت در عین وحدت را به ارمغان می آورد.

از دیگر اصول حاکم بر ساختار فضایی عملکردهای شهرهای سنتی اسلامی می توان به اصل وحدت، اصل تمرکز و عدم تمرکز، اصل تجمع، اصل تباین، اصل اتصال، اصل توازن، اصل تناسب، اصل تداوم، اصل سادگی، اصل پیچیدگی، اصل ترکیب، اصل استقرار، اصل زمان و اصل ایجاز اشاره کرد.

اصول دیگر حاکم بر معماری اسلامی را نیز می توان شامل:

اصل محور بندی فضایی

اصل حرکت از ظاهر به باطن

اصل نمادپردازی محتوایی و واقع گرایانه در عناصر و اجزای معماری

اصل رده بندی اهداف در جهت رشد و کمال معنوی

اصل پاسخگویی به نیازهای مادی انسان ها و رعایت دستاوردهای فنی و مهندسی

اصل بهره گیری از تزئینات مثبت

اصل نو آوری و ابتکار مناسب و پرهیز از شباهت ظاهری (تقلید) دانست.

## اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، مطالعه روند کلی تغییر عناصر شهرهای اسلامی و اثرات آن خصوصاً در دوران قبل و بعد از صنعتی شدن می باشد. به عبارتی شناخت ابعاد مختلف عناصر شهر اسلامی در طول تاریخ و همچنین تعریف مفهوم جدیدی از آن به دلیل نفوذ عناصر خارجی و ناسازگار، بخش اصلی مطالعات را شامل می شود. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می شود که این عناصر به نوعی ستون فقرات شهر اسلامی را در بر گرفته و موثرترین، گیراترین و پر اهمیت ترین ارکان زمان خود را تشکیل می دادند و قاعدتاً شناخت آن ها نیز باید جزء ابتدائی ترین و اصولی ترین وظایف هر مطالعه تاریخی شهر باشد.

## روش پژوهش

این تحقیق مربوط به عناصر کالبدی شهر اسلامی و نقش اصلی آن در دوران گذشته بوده و از آن جایی که موضوع پژوهش در دوره تاریخی اتفاق افتاده، تحقیق تاریخی و چون توصیف عینی یک موقعیت یا موضوع است، تحقیق توصیفی را شامل می شود. لذا روش تحقیق، ترکیب و تلفیقی از روشهای تاریخی- توصیفی بوده و در جمع آوری اطلاعات سعی شده با استفاده از مطالعه اسنادی و مدارک مکتوب حدیث و سنت و همچنین کتابخانه ای و در برخی موارد مشاهده مستقیم به شناخت ابعاد کلی این تغییرات در طول زمان پی برده شود.

## فرضیه های پژوهش

- عناصر شهرهای اسلامی در گذار زمان، نقش و کارکرد خود را از دست داده و اکنون کمتر به ایفای نقش های گذشته خود می پردازند.

- بسیاری از عناصر شهرهای اسلامی با تغییر کارکردهای قبلی سعی در ایفای نقش جدید و سازگار با زمان خود بوده و هویتی جدید به عناصر خود بخشیده اند.

### پیشینه تحقیق

اکنون به معرفی مهم ترین عناصر شهرهای اسلامی و تغییر نقش آن ها در گذر زمان می پردازیم:

### مساجد

مساجد مهم ترین بناهای مذهبی هر شهر و روستا بودند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته اند. اقامه نماز جمعه، مراسم مذهبی، ایراد خطبه ها و تدریس در مساجد انجام می گرفت؛ زیرا مساجد بهترین مکان برای ابلاغ فرامین حکومت به مردم بود (کیانی، ۱۳۷۹: ۸). مهمترین نقشه هایی که در مساجد به کار گرفته می شد، شامل یک ایوانی، دو ایوانی، چهار ایوانی و ترکیب چهار طاق و ایوانی بوده که معماران دوره اسلامی آنها را از شیوه های معماری عهد اشکانی و ساسانی اقتباس کرده اند. مثلاً نقشه چهار ایوانی - در ساخت بسیاری از بناها - الهام گرفته از نقشه کاخ آشور، متعلق به زمان اشکانیان است. در کل تصور شهر اسلامی بدون مسجد امکان پذیر نیست (دوپولو، ۱۳۶۸: ۹). معماری مساجد عالی ترین تجلی هنر اسلامی به شمار می آید. بدین ترتیب در تمام ادوار تاریخی اسلام تا قبل از جریان سرمایه به کشورهای اسلامی هر حکومت که تکیه بر کرسی ریاست می زد ابتدا به امر و نهی مسلمین و خطبه خوانی در مساجد شهر پرداخته و مردم را از شورش بر علیه حکومتش بیم داده و بهشت جاودانه را بر آنان آرزو می کرد. این امر به گونه ای موجبات دوام و پایداری حکومت اسلامی را تضمین می کرد؛ چون ریشه های تاریخی شهر اسلامی با عنصر مسجد پیوندی قوی داشت.

شهرهای اسلامی از نظر حقوقی در آغاز یک ویژگی داشتند که وجه تمایز آنها از روستاها محسوب می شد و آن داشتن جامع و منبر بود (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۱۲۲). اغلب مساجد در مرکز شهرها، نزدیک بازارها و محدوده دارالحکومه ساخته می شدند

و اگر شهری به بیش از یک مسجد نیاز داشت، مساجد دیگری از طرف حکومت یا افراد خیر احداث می شد. اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر شهری مسجد جامع یا آدینه نداشت، اهمیت شهری هم نداشت. مسجد آدینه به صورت یکی از ارکان اصلی زندگی شهری و یکی از نشانه‌های مشخص کننده شهر شد (شفقی، ۱۳۶۳: ۱۹). مردم با حضور در مسجد آدینه به تقویت روحیه مذهبی خود پرداخته و با شناخت رسالت اسلام، خود را از آلودن به رفتارهای خلاف شرعی مصون نگه می داشتند. در تمام ادوار تاریخ اسلام تنها مکانی که از طرف مهاجمان مصون می ماند و نوعی رعب در تخریب و حتی هجوم بر آن وجود داشته مسجد بود و این امر از آنجا ناشی می شد که حکام با هر اندازه ای از خشونت و تظاهر در دینداری سعی در ارائه سیمایی مذهبی از حکومت خود را داشتند. در حقیقت حکومت ها مساجد را به عنوان سنگر اصلی تبلیغ و ترویج انتخاب می کردند تا به گونه ای ادامه قدرت خود را تضمین نمایند.

بیش اسلامی، در آغاز و پیش از همه، عنصر مشخص و با اهمیت مسجد را به عنوان مرکز مذهبی- سیاسی در دل شهر جای داد (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۲: ۱۰۴). مسجد در فرهنگ اسلامی نشانه ای از حضور معبود می باشد (پوروزیری، ۱۳۷۶: ۱۷۴).

اگر چه بر اساس فرمایش نبی مکرم اسلام همه گستره زمین، مسجد است (جعلت لی الارض مسجدا) ولی در میان همه ادیان و اقوام و ملل مختلف، مکان‌هایی وجود دارد که از قداست و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و محل عبادت آنها می‌باشد. از این معابد در ادیان توحیدی به عنوان صوامع و بیع و مساجد یاد شده است. با در نظر گرفتن تمامی این مسائل، هم اکنون مسجد در شهر اسلامی نقش و جایگاه قبلی را ندارد؛ چنانچه معمولاً گلدسته‌های مساجد به عنوان مرتفع ترین عنصر در شهر مشخص بودند و ارتفاع باعث می شد تا بسیاری از نقاط شهر از دور قابل مشاهده باشند (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۵۱)، ولی امروزه این کارکرد بسیار ضعیف گردید است. چنانچه در کنار آسمانخراش

های سر به فلک کشیده و هیاهوی مردم کوچه و بازار، گلدسته های مساجد چندان به چشم نمی آید.

در راستای نقش اساسی مساجد در زندگی مردم باید خاطر نشان کرد که نگاهی گذرا بر کالبد مساجد اولیه نشان می دهد که مساجد در صدر اسلام نقشه های ساده ای داشتند، ولی در طول زمان با طرح های گوناگون و تزیینات مختلف، نقشه ها پیچیده شدند. مسجد در دوران شکل گیری اسلام تنها مکانی عبادی و مذهبی محسوب نمی شد بلکه عموماً محیطی فرهنگی و تربیتی نیز بود (براند، ۱۳۷۲: ۱۵۹). همچنین اجتماع مسلمانان در مسجد و اتحاد صفوف آنها ارتباط و پیوستگی مسلمانان را عملی تر می ساخت و سبب تقویت روحیه جمعی آنان می گردید (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۸۷). افراد مقروض در بسیاری از مواقع، مشکلات اقتصادی خود را در مساجد برطرف می کردند (نوبهار، ۱۳۷۳: ۱۷۲)؛ نقشی که اگر نگوییم امروزه کاملاً محو شده، بسیار ضعیف و ناچیز می باشد. بیشترین نقش کنونی مساجد، دستیابی به جنبه های عبادی مسلمین است و در آن کمتر به نقش های فرهنگی و تربیتی توجه می شود؛ امری که در صدر اسلام جزء مولفه های بنیادین مساجد به شمار می آمد. امروزه مساجد به عنوان کانون اجتماع مسلمانان، کمتر به ایفای کارکرد های اساسی که در گذشته به آن وفادار بودند می پردازند که مهم ترین دلایل آن را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- تجمل گرایی در معماری درون و بیرونی مساجد و کاهش نقش عرفانی آن
- ۲- ورود نظام سرمایه داری به زندگی مردم و کاستن از گرایشات مذهبی
- ۳- زیرسایه قرار گرفتن معماری و ساخت و سازهای مساجد در مقابل بلند مرتبه سازی های سود جویانه و در نهایت محو افق های مساجد.
- ۴- شیوع انواع جنایات در جامعه و اثرات آن بر ایدئولوژی مردم
- ۵- وجود آلودگی صوتی شدید از طریق وسایل ارتباطی و حمل و نقلی و .... و کاهش کارآیی مذهبی مساجد خصوصاً در مواقع شرعی



- ۶- وجود مراکز اجتماعی و تربیتی چون شوراهای محلات و کانون های فرهنگی به عنوان جایگزین مساجد
  - ۷- تعریف نوینی از مساجد به عنوان مکان عبادی و نه تربیتی از طریق فرهنگ سازی نامناسب
  - ۸- اتخاذ رویکردهای ناسازگار با علایق نسل جوان و کاهش انگیزه آنان برای حضور در مساجد
  - ۹- عدم اطلاع رسانی و تبلیغات گسترده مساجد در رسانه ها و نشریات جز در مواردی انگشت شمار
- و ...

## بازار

بازار کلمه ای است بسیار قدیمی که ابتدا واچار تلفظ می شد و سپس به مرور به بازار تغییر یافت. این کلمه که ریشه فارسی دارد، در اغلب زبان های جهان به کار رفته است (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۲). روزگاری بازارها کارکرد محلی داشتند و حوزه نفوذ آنها بسیار محدود بود، ولی بر اثر پیشرفت فرهنگ و تمدن و آگاهیهای فنی در امر حمل و نقل و تسهیل در ارتباطات، روز به روز بر وسعت حوزههای نفوذ آن ها اضافه شد و این رشد و توسعه در شهرهایی که در مسیر کاروانها قرار داشتند به خوبی آشکار شد. بدین ترتیب، راسته بازارها که خود به تنهایی نمی توانستند احتیاجات روز افزون مردم را رفع نماید به ناچار در کنار خود سراها، تیمها، تیمچه ها، قیصریه و کاروانسراها را به وجود آورند، که هر یک در کنار هم، کارکرد و عملکرد خاص خود را داشتند. بدین ترتیب بازارها که از مهم ترین اجزای شهرهای تولیدی و بازرگانی بوده اند، نقش بسزایی را در رشد و توسعه شهرها بر عهده داشته اند (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۸: ۲۸۶). حضرت محمد(ص) بر تأسیس بازار مدینه تأکید داشتند و تردیدی نیست که این بازار در کنار مسجدالنبی که محل تجمع انسانها و نمازگزاران بوده، ایجاد گردید. ولی نخستین بازارهای مسقف در شهرهای اسلامی از قرن دوم هجری قمری در شهر کوفه و بغداد ساخته شد (بلاذری، ۱۳۴۶: ۲۱۷). در خلال قرن

هشتم تا دوازدهم میلادی، ممالک اسلامی جایی برای نخستین بازارهای تجاری، داد و ستد و سرمایه داری در آمدند که از آن به عنوان "سرمایه داری اسلامی" یاد می‌شود (لایب، ۱۹۶۹: ۸۳-۷۹).

بازار در شهرهای اسلامی از چنان اهمیت خاصی برخوردار بوده که باید آن را به عنوان یک واحد و نظام اجتماعی، اقتصادی و مذهبی مطالعه نماییم که با ملایمت و به طور بسیار بطئی و با تحرك شكفت انگیزی، خود را با تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرن ما تطبیق داده است. باید گفت که بازارهای سنتی مسقف یکی از دستاوردهای تمدن و فرهنگ اسلامی است که نه در مشرق زمین باستان نظیری داشت و نه در یونان و روم قدیم و نه در اروپای قرون وسطی هم‌اوردی برای خویش پیدا می‌کرد (ویرث، ۱۹۸۲: ۱۹۸). بدین خاطر است که بازارهای اسلامی در دوران طلایی خود خصوصاً در قرون ۳ و ۴ از چنان هیبت و عظمتی برخوردار بودند که جدا از تامین نیازهای شهرهای اسلامی، بخش اعظمی از همتای اروپایی خود را نیز تشکیل داده و آنان نیز به نوعی جیره خور این بازارها بودند.

بازار در شهرهای سنتی سرزمینهای اسلامی شرقی، دارای ویژگیهای منحصر به فردی بود که آنها را از شهرهای سایر حوزه‌های فرهنگی جدا می‌ساخت. بازار در شهر اسلامی به منزله مرکز مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و قلب یک شهر عمل می‌کرد و نقش آن بیش از سایر عناصر و عوامل جغرافیایی و شهری، شایان توجه است (مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۲۴). شاید بازار تنها معیار مشخص برای شهرهای خاور نزدیک است (ریمون، ۱۳۷۰: ۲۸).

بنابراین، ویژگی و اصالت شهر اسلامی در ساختارهای بازرگانی آن نیز مشهود است که به صورت مجموعه‌های یک دست و به هم پیوسته در یک فضای فشرده در میان شهر جای دارد و هنوز هم با وجود دگرگونیهای ظاهری، اصالت یک شهر اسلامی را تداعی می‌کند و در حقیقت خصوصیات را به دست می‌دهد که در آنها نهاد اسلامی به روشنی مشخص و از نهادهای مشابه در دیگر کانونهای فرهنگی قابل

تفکیک و تشخیص است (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۲: ۳۰۶). این خصوصیت با شدت و ضعف در تمام شهرهای اسلامی به جز شهرهای نو بنیان قابل مشاهده است؛ ولی رو به زوال یا بقای آن سیمای چندان امیداری از آینده ترسیم نمی نماید.

می توان گفت که بازار پدیده ای است شهری و در عین حال عاملی است برای پیدایش شهرنشینی و همواره به صورت بافت غذا دهنده اصلی شهر، انجام وظیفه کرده و می کند. در اکثر شهرهای اسلامی، بازار به صورت هسته مرکزی بافت سنتی و قدیمی شهر بوده و به عنوان قلب تپنده در پهنه شهری جای گرفته است. سیستم اقتصادی شهر اسلامی در هر شرایطی متکی به واکنش بازار در قبال جریان های مختلف زمان خود بوده و گاهی از چنان رونقی برخوردار می شد که در زمانه خود استقبالی فراتر از حوزه های نفوذ خود پیدا کرده و بازارهای اکثر شهرهای اطراف خود را وابسته می ساخت. این امر خصوصاً در انتصاب حاکمی خردمند که توان مدیریتی بالا بر شهر داشته بسیار تاثیر گذار بوده و اثرات اجتماعی خوبی نیز برای آن حکومت به ارمغان می آورد. گاهی نیز به دلیل رکود شدید اقتصادی، بازار از چنان رخوتی برخوردار می شد که حتی شاهد گرایش مردم به مصرف محصولات خرافه نیز هستیم. این امر خصوصاً در زمانی که شهر به محاصره مهاجمان درآمده باشد، بسیار ملموس بوده است. علاوه بر آن در جوار این مجموعه اقتصادی، اماکن عمومی مانند حمامها، مساجد، مدارس، تکیه ها، سقاخانه ها، قهوه خانه ها و در ایران و برخی کشورهای شیعه مذهب، امامزاده ها و زورخانه ها و ... وجود داشته که مجموعه آنها بافت واحدی را به وجود آورده است و از نظر ارتباطات بخشهای مختلف زندگی و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی، جوابگوی نیازمندیهای مردم شهرها بوده است (بیگلری، ۱۳۵۵: ۴۱). گسترش بازار به داخل شهر از طریق مهم ترین راههای ارتباطی شهری که به دروازه ها نیز منتهی شده صورت گرفته و بازار تا مرکز شهر امتداد می یافت (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۸: ۲۸۶). اقلام مقدسی مانند شمع، بخور و عطر و اقلامی که توسط کتاب فروشان و صحافان به فروش می رسید، در نزدیکی مسجد قرار داشت و

بقیه کالاها در فاصله دورتری بودند (باوندیان، ۱۳۸۷). بین مسجد جامع با منطقه مرکزی بازارها، بازار طلا فروشان و مرکز صرافان و همچنین بازار تسبیح فروشان استقرار می یافت (مسیگون، ۱۹۱۲: ۹۰-۹۲). در بسیاری از موارد، بازار فقط متشکل از دو ردیف دکان در امتداد و در دو سوی راسته یا یک معبر بود. توسعه بازارها از طریق تبدیل کوی های مسکونی به کوی هایی که فعالیت عمده آنها تجاری بود، انجام می شد؛ تحولی که به علت سادگی واحد اصلی یعنی دکان، به سهولت ضرورت می گرفت (ریمون، ۱۳۷۰: ۵۵).

بنابراین، بازارها در توسعه و گسترش شهر ایرانی - اسلامی نقش مهمی را به عهده داشته اند؛ به نحوی که در شهرهایی که تازه ساخته می شد، بازار ابتدا در ارتباط فضایی با مسجد جامع و مقر حکومتی بنا می شد. از خصوصیات دیگر بازار، نقش اجتماعی، مذهبی و سیاسی بازار و بازاریان بوده است. چرا که در مواردی اتفاق می افتاده که طبقه بازاری به سبب تعصب خاص مذهبی، به کمک روحانیون و رهبران می شتافته است (مشهدیزاده، ۱۳۷۸: ۲۹۱).

با این اوصاف، باید به شناخت عوامل تاثیر گذار بر شهر اسلامی پرداخت که نقش بازار را تا حدود زیادی به جریان های اقتصادی و نظام بین المللی متکی ساخته اند. ورود سرمایه خارجی به همراه کالای مصرفی که به صورت انبوه در غول های سر برآورده از کارخانه های صنعت تولید می شد، ابتدائی ترین تاثیر خود را بر پیکره بازارها وارد کرد؛ چون پذیرش هر محصولی اولین نمود خود را در بازارها به نمایش می گذارد. از عوامل مهمی که در شهرسازی مدرن موجب تغییر در جایگاه و مفهوم و ارزش بازار در شهرها شد می توان به "طرح اصلاح شبکه های گذرگاهی" یا همان "قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان ها" اشاره کرد که در سال ۱۳۱۲ در زمان حکومت پهلوی اول و در جریان نوسازی شهرها به مرحله اجرا درآمد و موجب به انزوا کشیده شدن بازار و تغییر ارزش آن شد. این عامل منجر به انتقال نقش های حیاتی بازار

به لبه خیابان ها شده و نفوذ کالاهای لوکس و تجملاتی تا حدود زیادی از قدرت بازار کاسته است.

بعضی از صاحب نظران مسائل شهری، معتقدند که طرح اصلاح شبکه گذرگاهی با احداث مغازه های ویتروینی در کنار خیابان های اصلی، فعالیت بازار را از نظر حوزه عملکرد جغرافیایی وسعت بخشید (رهنمایی، ۱۳۸۳: ۵۸). اما نگاهی هر چند اجمالی به شهرهای تاریخی کشور که در گذشته از بازارهای پر رونقی برخوردار بوده‌اند نیز حاکی از آن است که اصلاح شبکه های گذرگاهی نه تنها موجب اختلال عملکردهای بازار شد و آن را به انزوا کشاند، بلکه روحیه نشاط و سرزندگی را از بازار و بازاریانی که در گذشته خود را همگام و همراه با رهبران سیاسی و دینی خود می دیدند، گرفت و با یک تقسیم کار نوین، مسیر جدیدی برای ایفای نقش آنان ترسیم کرده و آنان را واسطه فروش کالای خارجی در بازارهای داخلی کرد.

در کل مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر تغییر عناصر بازار در شهر اسلامی شامل موارد زیر می باشد:

- ۱- فرسودگی و در انزوا قرار گرفتن بافت های اصلی بازار در میان مغازه های ویتروینی لبه خیابان ها و میدان ها
- ۲- بریده شدن اکثر بازارها به دلیل احداث خیابان های متقاطع و بریده بریده شدن راسته بازارها
- ۳- ورود نظام صنعت و سرمایه داری با تولید انبوه کالاهای مصرفی در مقابل کالای سنتی بازار
- ۴- شبکه گذرگاهی با ترافیک بالا در اطراف خیابان های کلکسیونری احاطه کننده بازار و هجمه عظیم مشتریان در اطراف آن که دسترسی ها را نیز نسبت به بازار راحت تر کرده است.
- ۵- گرایش به لبه خیابان ها و پاساژها به دلیل سود دهی بالاتر نسبت به داخل بازار

- ۶- گرایش کمتر مردم به خرید کالاهای دستی و سنتی داخل بازار به دلیل ترویج کالاهای انبوه و ارزان
  - ۷- تغییر ماهیت فروشندگان قدیمی بازار به عنوان واسطه گران جدید سرمایه داری
  - ۸- گرایش بازار به خرید و فروش اقلام سنتی که اکنون تمایل برای خرید آن ها بسیار ضعیف تر گشته است.
  - ۹- استفاده از مصالح کم دوام و سست در معماری برخی بازارها که در مقابل اثرات طبیعی چون باد و باران و زلزله بسیار ضعیف بودند.
  - ۱۰- تخریب برخی از قسمت های بازار به دلیل عدم توجه مسئولین ذی ربط و عدم ایفای مناسب مسئولیت ها
  - ۱۱- تعریف جدیدی از بازار در اذهان عمومی به عنوان مکانی برای فروش کالاهای سنتی و یا صرفاً روستایی
- و ...

## ارگ

یکی از عناصر سه گانه ای که ساخت شهرهای اسلامی را تشکیل می داده، ارگ بوده است. در شهرهای ایران، ارگ در ارتباط مستقیم با بازار و مسجد جامع قرار داشته که این خصوصیات در آثار به جا مانده بسیاری از قسمت های قدیمی شهرها قابل مشاهده است (مشهدزاده دهاقانی، ۱۳۷۸: ۲۵۸). در حقیقت در بسیاری از شهرهای اسلامی خصوصاً شهرهای نو بینان، این عنصر را در کنار مسجد و بازار به عنوان اولین عناصر، مکان یابی می کردند و حتی توسعه خطی بازار و محل دقیق قرار گیری مسجد نیز به نوعی تحت تاثیر این عنصر حیاتی بوده است.

با گذر زمان اهمیت ارگ در شهرهای اداری نظامی بیشتر می شد و چون شهرهای مهم کشور در زمان های پیش دارای نقش اداری نیز بودند، ارگ یکی از فضاها مهم این شهرها را تشکیل می داد. فضای ارگ در شهر با توجه به ویژگی جغرافیایی زمین و راه های منطقه ای پیرامون آن و موقعیت نظامی - دفاعی شهر در منطقه، مسقر می شده است (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۲۸۸). قرار گیری ارگ در ارتفاعی فراتر و در صورت نبود به

صورت هاله ای در میان عناصر دیگر امکان تسلط بر آنان را راحت تر می ساخت و از طرف دیگر ارتفاع بالاتر یعنی امکانات تدافعی بالقوه برای حفاظت از جان و مال حاکم. در برخی از موارد مانند ارگ بم نیز جدا از قرار گیری در ارتفاعی بالاتر به یک جبهه قوی از پشت نیز نیاز داشتند و این عامل از طریق شیب زیاد و یا دسترسی به آب ها امکان پذیر بوده است.

روزگاری شهرهای بزرگ و آباد دارای دژ محکم بوده اند و محلات زندگی مشاغل مختلف اجتماعی در این ارگ از هم جدا بودند. به طوری که می توان به محله زندگی پیشه وران، تجار، کشاورزان، نزدیکان حکومتی، موبدان و... اشاره کرد که نشان دهنده وجود طبقات اجتماعی مختلف در جامعه شهری آن زمان بوده است. هر چند در عین این تمایز طبقاتی، پیوندی قوی بین طبقات وجود داشته که امکان استیلا بر هر کدام از طبقات کشاورزان، تجار و یا پیشه وران را با مشکل روبه رو می ساخته است. در واقع در شهرسازی اسلامی مهم ترین دلیل برای وجود ارگ، عامل حکومتی و کنترل وضعیت جامعه بوده است. البته علاوه بر ارگ به عنوان مقر حکومتی در شهر باید به باروها و دیوارهای محافظت کننده شهر در قدیم اشاره کرد.

احداث برج و بارو و گاه احداث خندق به منظور محافظت شهرها صورت می گرفته (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷۸: ۲۶۹) و همچنین پیرامون قلعه به سرعت به مراکز فرعی اقتصادی تبدیل می شدند (کلرگت، ۱۹۳۴: ۱۴۴). با گذشت زمان و ورود به شهرسازی مدرن، ارگ و برج و باروی شهرها تخریب شد و ساختمان های حکومتی به صورت پراکنده و نه در مرکز شهر و مکان های مرتفع ساخته شدند. ارگ حکومتی که در گذشته در ارتباط مستقیم با عناصر اصلی شهر یعنی مسجد جامع و بازار به صورت عنصری پویا عمل می کرد، در شهرسازی مدرن به ساختمان های دولتی مجزا از هم و در نقاط مختلف شهر تبدیل شده است که هیچ گونه ارتباطی با عناصر مذکور ندارند. مهم ترین عوامل تغییر نقش ارگ را می توان در موارد زیر جست و جو کرد:

۱- افزایش امنیت در شهرها و کاهش نقش ارگ به عنوان مرتفع ترین مکان

- ۲- کنار گذاشته شدن حاکم و والی مستقر در ارگ شهر و استقرار سازمان بلدیة و شورای شهر به جای آن
  - ۳- تخریب برج و بارو و ارگ ها به دلیل تخاصم دولت ها با یکدیگر و عدم توجه به فرسودگی و آسیب پذیری آن
  - ۴- احداث ساختمان ها و ابنیه جایگزین به جای ارگ و کاهش نقش آن در طول زمان
  - ۵- عدم دسترسی به ارگ در برخی مکان ها به دلیل قرار گیری در میان بافت های فرسوده و یا عدم دسترسی ارتباطی به آن
  - ۶- تغییر نظام های حکومتی از پادشاهی مطلق به نظام های دموکراسی و مردم محور و از بین رفتن ارگ ها در برخی از موارد.
  - ۷- عدم تخصیص بودجه مناسب از طرف دول اسلامی برای ترمیم و یا بازسازی این اماکن
  - ۸- عدم کاوش های باستان شناسی مناسب برای کشف این اماکن که در زیر خاک مدفون گشته اند.
  - ۹- عدم هزینه و تخصص زیاد برای اکتشاف و نگه داری این اماکن به دلیل هزینه سنگین آن بر دوش دولت ها
  - ۱۰- تخریب ارگ از طرف غارتگران و مهاجمان به امید چپاول طلاها و الماس های گران قیمت
- ... و

### حمام و کاروانسرا

مردم ایران، چه پیش و چه بعد از ظهور اسلام به پاکیزگی اهمیت زیادی می دادند، اما بعد از ظهور اسلام این موضوع تشدید شده است. در گذشته های دور، شستشوی معمولی به صورت حاضر نبوده و مردم برای استحمام به گرمابه یا به زبان امروزی حمام می رفته اند. واژه گرمابه مرکب از دو کلمه گرم و آبه است که آبه در آن به معنای محل ساختمان است، همانند سردابه (ساختمان سرد). گرمابه محلی گرم چه برای



زمستان و چه برای تابستان بوده است. به جای خزان، طرفی به اندازه یک آدم داشته و از آب همین ظرف جهت وضو نیز استفاده می شده است (پیرنیا، ۱۳۷۰). شهر بصره، بغداد و فسطاط، نخستین شهرهایی بودند که در سالهای ۱۴ و ۲۱ ه. ق حمام عمومی در آن ها ساخته شد.

به خاطر زمین بسیار زیادی که حمام های عمومی نیاز دارند و در مقابل درآمد اندکی دارند، صاحبان و وارثان این حمام ها ترجیح می دهند که به تغییر شغل و تغییر کاربری حمام های عمومی بپردازند و در واقع تعداد حمام های عمومی در گذر به شهرسازی مدرن بسیار کاهش یافته است و چه بسا در آینده ای نزدیک به طور کامل از بین بروند. مهم ترین عامل برای از بین رفتن گرمابه های عمومی را می توان در افزایش تعداد حمام های خصوصی دانست که دلایل مراجعه به چنین مکان هایی را کاهش می دهد. از طرف دیگر با افزایش کاربری های مختلف و خصوصاً تجاری، این کاربری ها به درون کوچه ها و مناطق حاشیه ای رانده شده و نقش و جایگاه قبلی را از دست می دهند. دلیل دیگر را می توان در عدم آشنایی مردم با چنین مکان هایی دانست.

در رابطه با کاروانسراها شاید در همه کتابهایی که درباره تاریخ و جغرافیای ایران نوشته شده و در همه سفرنامه ها از توجه ایرانیان به راه و ساختمان های پیوسته به آن و همچنین راهداری و پست منظم از روزگاران بسیار کهن سخن رفته باشد (پیرنیا، ۱۳۷۰). از بین ساختمان های وابسته به راه که در شهرسازی اسلامی نیز از عناصر مهم به حساب می آمده، می توان از کاروانسرا و رباط ها نام برد که محل تجمع کاروانیان و بارانداز بوده و در پشت حصار برای استراحت کاروانیان و معاملات تجار تدارک دیده شده بود. از زمان صفویه ایجاد کاروانسراها شدت و رونق فراوانی یافت (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۳۱۶).

رباط نیز منحصرأ به ساختمان های کنار راه و به ویژه بیرون از شهر اطلاق می شود و به رباط های بزرگ و جامع کاروانسرا می گویند؛ چه در شهر و چه بیرون از آن باشد. کاروانسراهای کنونی ایران اغلب شاه عباسی خوانده می شود (پیرنیا، ۱۳۷۰).

عناصر و اجزای شهرهای تاریخی و بافت قدیم، حاوی اطلاعاتی است که نقش فرهنگی این عناصر را در ارتباط با دیگر نقش ها بر ما آشکار می سازد و مشخص می کند که گذشتگان ما بدون تفکر، اقدام به ساخت و ساز نکرده اند، و برای هر گونه معماری؛ توجیه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی وجود داشته است. در این میان، نقش مردم و خواسته های اعتقادی و فرهنگی بسیار کلیدی بوده است، و ضمن این که از تجربیات پیشینیان خود استفاده می کردند، از خلاقیت و ابتکار هم دور نبوده اند. ارتباط میان اجزاء و عناصر شهری در ساخت و سازهای گذشته، بیشتر مورد توجه قرار می گرفته و هر گونه تحولی، بدون در نظر گرفتن اجزای دیگر، مورد نظر نبوده است. شاید کاروانسراها جزء بارزترین عناصر تغییر یافته در شهرهای اسلامی بعد از ارگ باشند که تا حدود زیادی محو و نابود شده اند. کاروانسراها کالبد خود را در درون بازار به صورت نواحی کاملاً متروکه با بافت کهنه و آسیب پذیر حفظ کرده اند. مهم ترین تغییرات در این دو عنصر را می توان در موارد زیر پیگیری کرد:

- ۱- افزایش تعداد حمام های فردی نسبت به حمام های عمومی و متروکه ماندن اکثر حمام های قدیمی
- ۲- تغییر آداب و سنن قدیمی در استفاده از حمام های عمومی و جایگزین شدن حمام های فردی
- ۳- ملاحظات بهداشتی در طراحی جدید حمام های فردی که در حمام های عمومی چنان پراهمیت نبود
- ۴- قرار گیری حمام های عمومی در داخل بافت های فرسوده و قدیمی که دسترسی های را سخت تر کرده و امنیت پایینی نیز دارند.
- ۵- پیدایش اماکنی مدرن و با امکانات بهتر از قبیل استخرها، پارک های آبی و ... که گرایش به حمام های عمومی را کاهش داده است.
- ۶- هزینه و اتلاف زمان کمتر حمام های انفرادی نسبت به حمام های عمومی

- ۷- معماری بسیار بسته در طراحی کاروانسراها که امکان هرگونه دخل و تصرف باستان شناسی را با محدودیت رو به رو می سازد
  - ۸- عدم وجود پاسبان و نظارت بر کاروانسراها و تبدیل این اماکن به مراکز خلاف و بزهکاری
  - ۹- تغییر شرایط اقتصادی کشورها و از دست دادن نقش فعالیت های بازرگانی کاروانسراها نسبت به گذشته
  - ۱۰- محصور گشتن سراها، تیم ها، تیمچه ها و حجره ها با یک فرم بسته قدیمی در داخل بازار
  - ۱۱- بافت فرسوده و ازدحام جمعیت در بازار که کاروانسراها را به عنوان محلی برای کاربری های ناهمگن در آورده و این عامل بر خلاف اندیشه طراحان اولیه بوده است.
  - ۱۲- همچنین طراحی اکثر کاروانسراها در راستای دسترسی چارپایان و اشتران بوده که این عامل هم اکنون کاملاً از بین رفته است.
- ... و

### سایر عناصر

در درون هسته اولیه شهرهای ایران که غالباً توسط حصار و بارو محصور می شده، شکل گیری شبکه معابر بیشتر بر حسب عوامل دفاعی، نبودن قوانین مکتوب و حاکم، پیروی از اصل محرومیت و ... بافت پیچیده و درهمی را دارا بوده اند. یکی از نکات جالب توجه در شهرهای قدیمی ایرانی وجود سلسله مراتب در شکل گیری شبکه معابر و شروع شدن آنها از فضاهای عمومی گسترده به فضاهای کاملاً خصوصی درونی است (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۷۸: ۳۳۵).

شبکه راه های درون محله ای و فضاهای شهری مانند بازار، مساجد و یا خیابان های اصلی شهر، هر یک شکل متفاوتی را پذیرفته اند. این شبکه ارتباطی را چه در فضاهای بیرون محله ای و چه در داخل بافت پیچیده محلات می توان به فضای کاملاً خصوصی (خانه)، فضای نیمه خصوصی (هشتی و بن بست)، فضای نیمه عمومی (گذرگاه فرعی)،

فضای عمومی (گذرگاه اصلی و بازار) و بالاخره به فضای کاملاً عمومی (مساجد و میدان ها) تقسیم کرد. نقش و عملکرد این فضاها در سطح یک شهر، سازمان فضایی آن را به نمایش می گذارد (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷۸: ۳۴۳). این تقسیم بندی بیانگر تجلی فضایی و کالبدی احکام و دستورات دینی در شهرسازی اسلامی در رابطه با حفظ حریم و فضای خصوصی شهروندان می باشد.

ایجاد خیابان به عنوان نماد تجدد، اولین پژوهشگر از شهرسازی هوسمان گونه ای است که با نظریه پردازی های نوگرایان ۱۹۲۰، جنبه بین المللی یافت و در ایران نیز شنیده می شود. تصویب قانون تعریض و توسعه معابر و خیابانها، جوابی روشن به این گونه شهرسازی است. این قانون به عنوان محمل اصلی اقدامات شهرسازی در سال های بعد تا امروز، بارها و بارها مورد تجدید نظر واقع و بر قوه اجرایی آن افزوده می گردد. انگاره ایجاد خیابان های عریض و گسترده که به قیمت از بین بردن حریم خصوصی افراد و به گونه ای کم کردن حس مکان و حس تعلق در محلات شهری ظاهر شد، بارزترین شکل تغییر مفهوم و مشخصات شبکه معابر در شهرسازی مدرن و در تقابل با شهرسازی اسلامی است.

پیش از اسلام، مراکز آموزشی در مجاور کاخ ها و مراکز حکومتی و یا آتشکده ها و نقاطی دور از مراکز تجاری جای داشت در جوامع کهن، نهادها و تأسیسات اداری، مذهبی و بازرگانی از مهمترین عوامل فضاهاى آموزشى بودند. به همین جهت مراکز آموزشى اغلب در کنار تأسیسات اداری، مراکز مذهبی یا بازرگانی، نیروهای مورد نیاز خود را برای اداره امور تعلیم می دادند (کیانی، ۱۳۷۹: ۱۱۸).

پس از اسلام، آموزش و پرورش از انحصار طبقات ممتاز خارج شد و امکان تحصیل علوم متوسطه و عالی کمابیش برای عده بیشتری فراهم گردید. به تدریج همراه با گسترش و پیشرفت علوم دینی و طولانی شدن مدت تحصیل و لزوم اسکان طلاب، زمینه های پیدایش مدارس مهیا گردید. محل این مدارس بیشتر در پیرامون مساجد جامع، بازارها، محلات مسکونی و گاه میدا نها بود (سلطان زاده، ۱۳۶۴: ۴۰۳).

تعدادی از مراکز علمی و آموزشی که سابقاً در دنیای قدیم گمنام بودند، خواستگاهشان از سال‌های نخستین عصر طلایی اسلام نشأت می‌گیرد. بارزترین مثالی که در این زمینه می‌توان گفت، بیمارستان‌های عمومی است که به جای معابد شفاء و معابد خواب و استراحت، تأسیس گردید. از دیگر مراکز علمی و پژوهشی که در دوران طلایی اسلام بنیان نهاده شد، کتابخانه‌های عمومی (با قابلیت امانت دهی کتاب)، دانشگاه‌ها (با اعطاء درجه‌های علمی به دانشجویان) و رصدخانه‌های نجوم به عنوان مراکز پژوهشی را می‌توان نام برد (بارت، ۲۰۰۴: ۱۸). در دوران طلایی اسلام حدود قرن نهم میلادی، نخستین دانشگاه‌هایی که به دانشجویان خود مدرک تحصیلی پزشکی اعطاء می‌کردند، تحت عنوان بیمارستان بر پا شدند. این مراکز دو منظوره بوده و حالت دانشگاه-بیمارستان داشتند. در صدر اسلام تدریس علوم مذهبی در مساجد انجام می‌شد. بنابراین مساجد اولیه در حقیقت اولین مرکز آموزشی اسلامی بودند که در ایران و سایر بلاد اسلامی به طور گسترده‌ای رواج پیدا کردند. به تدریج با توسعه علوم اسلامی، فضای آموزشی از مساجد جدا گشت (کیانی، ۱۳۷۹: ۹). شاه عباس اول و جانشینان او در کنار احداث بناهایی همچون حمام‌ها و کاخ‌ها و کاروانسراها و پل‌های متعدد و بازارها، ساخت مدارس را نیز در برنامه کار خود قرار دادند. به طوری که در اوایل حکومت شاه عباس اول، مدارس بسیاری در اصفهان ساخته شد. اگر چه بسیاری از این مدرسه‌ها به دست تیشه جهل سلطان نابود شدند اما باز هم شماری از آنها پابرجا هستند و حتی در برخی، طلاب علوم دینی به آموزش مشغولند. غیر از آن از سایر عناصر تغییر یافته در معماری شهرهای اسلامی می‌توان به محلات مسکونی، آب انبارها و فضای سبز و در برخی موارد چون تبریز، شیراز و اوج آن در اصفهان و سمرقند به باغشهر که بعدها توسط ابنزرهاوارد مطرح شد اشاره کرد. اهم تغییرات در عناصر فوق را می‌توان در موارد ذیل پیگیری کرد:

- ۱- محلات مسکونی در گذشته بنا بر گروه‌های قومی و دینی و یا شرایط طبقاتی زیر نظر حکام سیاسی تقسیم بندی می‌شد و جداگرنی شغلی نیز

- به وضوح در محلات نمایان بود. ولی هم اکنون این عوامل بسیار ضعیف و کم رنگ تر شده اند.
- ۲- در معماری گذشته مسکن به فضاهای اندرونی و بیرونی بسیار توجه می شد، اما هم اکنون عامل اصلی در انتخاب مسکن درآمد افراد نسبت به پایگاه فردی و خانوادگی می باشد.
- ۳- در گذشته نمای بیرونی مسکن بسیار ساده و اندرون خصوصاً در مسکن ثروتمندان بسیار مجلل بود ولی هم اکنون این عامل کاملاً بر عکس شده است.
- ۴- فشردگی و آمیختگی شدید مسکن همجوار خصوصاً برای دفاع در مقابل هجوم دشمنان بسیار پر اهمیت بوده، در حالی که هم اکنون عامل فاصله و دسترسی به آفتاب در طراحی جدید ساختمان ها بسیار مهم تر می باشد.
- ۵- پابندی و تاکید بر علایق محلی در شهرهای گذشته یکی از مهم ترین عوامل در همگرایی افراد یک محله به حساب می آمد.
- ۶- همچنین در گذشته، شکل گیری و گسترش محلات، بیشتر تابع اصول طبیعی و یا دستورات حکام بوده و کمتر به اصول شهرسازی و اصول هندسی آن توجه می شد.
- ۷- شبکه معابر بنابر احتیاجات زمانه و شرایط جغرافیایی از یک الگوی ساده و فشرده تر، از لحاظ طول و عرض برخوردار بوده و کانال های آبیاری، مهم ترین عامل در شکل دهی آنها بوده اند. در حالی که هم اکنون این عوامل در طرح های جامع و تفصیلی هر شهر به خوبی تعریف شده می باشد.
- ۸- شهرها بنابر فضاهای عمومی مانند بازارها، نیمه عمومی مانند گذرگاه فرعی، فضاهای خصوصی مانند خانه و نیمه خصوصی مانند هشتی و بن بست و یا کاملاً عمومی مانند مسجد و میادین از یک شبکه معابر خاصی

برخوردار بودند؛ در حالی که مهم ترین عامل در محلات امروزی ایجاد یک شبکه گذرگاهی با دسترسی های آسان می باشد.

۹- معماری باغ ها در شهرها بیشتر الهام گرفته از طبیعت و سنت های معماری کهن است و در آن نهایت استفاده از منابع زیرزمینی و آب های سطحی مد نظر بوده است.

۱۰- آب انبارها بیشتر در ارتباط با بنای مساجد و یا مدرسه در گذشته بنا می شدند و گنجایش و معماری سر در آن بسیار مهم بوده (دهاقانی به نقل از ورجاوند، ۱۳۶۶) ولی اکثر آب انبارهای کنونی به عنوان اماکنی متروکه و یا گاهی حاشیه ای در برخی روستاهای کویری به چشم می آیند.  
... و

### نتیجه گیری

واقعیت این است که نباید شهرسازی را فقط در گرو مجموعه ای از مسایل اجرایی بینیم؛ بلکه باید باور داشته باشیم که شهرساز مسلمان و معتقد می تواند شهر و سکونتگاه اسلامی خود را بسازد. (شاهسوندی، ۱۳۷۶: ۲). شهر اسلامی باید دارای عناصری هویت بخش و الهام انگیز به آرمان ها و آرزوهایش بوده و در پاسداشت ارزش هایی که در گذشته بدان وفادار بوده بسیار کوشا و مسئولیت پذیر باشد. می توان گفت، جامعه ای که اکثریت شهروندان آن را مسلمانان با عقاید و تعصبات مذهبی تشکیل می دهند، نباید در مواجهه با شهرسازی مدرن دچار دوگانگی در تفکر و رفتار شود. شهرسازی مدرن با ویژگی های خاص خود، بر جامعه ای که اصول و بنیان فکری و فلسفی آن ناسازگار با مدرنیته است، استیلا یافته و باعث اختلال در جنبه های مختلف زندگی شهروندان و به طور خاص در کالبد، فضا، عملکردها و عناصر شهرهایش شده است. هم اکنون این عامل چنان تاثیرگذار گشته که دیگر نمی توان با نگاه به سیمای شهر اسلامی، در مورد مذهب و تفکرات حاکم بر جامعه تصمیم گرفت. در حقیقت می توان گفت این معضل همچون زخمی است که روز به روز در حال عمیق تر شدن بوده و در صورت عدم چاره جویی تبعات آن بیش از پیش و غیر قابل جبران خواهد بود.

نفوذ معماری غربی قرون اخیر در ساخت و بافت شهرهای اسلامی بسیار چشمگیر است که نویسندگان و دانش پژوهان تحت عنوان مدرنیسم و جهانی شدن به آن عنایت دارند، لکن بازار شهرهای اسلامی تنها منطقه و یا بخش شهری است که در برابر این هجوم فرهنگی، استقامت کرده و اصالت خود را از نظر کالبدی و فضایی حفظ کرده است. از نظر اقتصادی نیز بازار در برابر نفوذ اقتصادی غرب بسیار مقاوم بوده و هنوز سنن قدیم اقتصادی بر بازار شهرهای اسلامی حاکم است. این مطالب به منزله تأیید زندگی اقتصادی بازار در شهرهای اسلامی نیست، لیکن روشن نمودن وضع اقتصادی آن را به وضوح نمایان می سازد (مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، ۱۳۸۷، ۲۲۴). این نکته را باید در نظر داشت که صرف احیای فضای کالبدی عناصر اسلامی، نمی تواند پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی باشد؛ بلکه هدف اصلی باید باز زنده سازی این عناصر هم از نظر فرهنگی و هم کالبدی است. شهرهای اسلامی باید با گذشته خود پیوندی جدید در راستای دست یابی به یک شهر اسلامی سالم و سازگار ایجاد نمایند تا در نهایت به آرامش واقعی و تعریف شده در آرمانشهرهایشان دست یابند. بنابراین آنچه در شهر اسلامی فضایی عرفانی به بار آورده و هویتی الهام بخش بدان بخشیده است، شهر عشق و شهردوست است و این سوال را در ذهن تداعی می کند که شهر بی دوست مگر ارزش دیدن دارد؟

## منابع

- ۱- اهری، زهرا، (۱۳۸۲)، مکتب اصفهان در شهرسازی. دانشگاه هنر. اصفهان
- ۲- ابن اعصم، محمد، الفتح، (۱۳۸۵)، انتشارات و نشر انقلاب اسلامی، تهران
- ۳- البلاذری، احمد بن یحیی: فتوح البلدان، ترجمه آذرنوش، (۱۳۴۶)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ۴- باوندیان، علیرضا، شهر اسلامی، (۱۳۸۷)، (<http://www.bashgah.net/pages21217.L>)
- ۵- براند، رابرت هیلن، (۱۳۷۲)، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، حوزه معاونت شهرسازی و معماری، تهران
- ۶- بemat، نجم الدین، (۱۳۶۹) شهر اسلامی، ترجمه دکتر محمد حسین حلیمی، اسلامبولچی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران



- ۷- بیگلری، اسفندیار، (۱۳۵۵)، بازارهای ایران، مجله هنر و معماری، شماره ۱
- ۸- پوروزیری، رضا، (۱۳۷۶)، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال و آینده، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه هنر، تهران
- ۹- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۷۰) درباره شهرسازی و معماری سنتی ایران، مجله آبادی، سال اول، شماره اول، تهران
- ۱۰- خیرآبادی، مسعود، (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت الله مافی، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد
- ۱۱- دانشنامه جهان اسلام (۱۳۷۲)، مقاله بازار، گروه نویسندگان و مترجمان، تدوین کننده ایرج پروشانی
- ۱۲- دوپولو، پایا، (۱۳۶۸)، معماری اسلامی، ترجمه حشمت جزنی، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران
- ۱۳- رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه حسینی، (۱۳۸۳)، فرآیند برنامه ریزی شهری در ایران نشر سمت، تهران
- ۱۴- ریمون، آندره، (۱۳۷۰)، شهرهای بزرگ عربی - اسلامی در قرن ۱۰ تا ۱۲ هجری، مترجم: حسین سلطانزاده نشر مترجم، تهران
- ۱۵- سعیدی رضوانی، عباس، (۱۳۷۲)، بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، آستان قدس رضوی، مشهد
- ۱۶- سلطان زاده، حسین، (۱۳۶۲)، روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، تهران
- ۱۷- شاهسوندی، شیوا و همکاران، (۱۳۷۶)، بررسی ارزش ها در آرمان شهر اسلامی، مجموعه خلاصه مقالات همایش مدیریت فضای شهری، انتشارات شهرداری شیراز
- ۱۸- شفق، سیروس، (۱۳۶۳)، جزوه جغرافیای شهرهای ایران، جزوه دوره کارشناسی دانشگاه اصفهان
- ۱۹- شکویی، حسین، (۱۳۷۳)، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران
- ۲۰- کیانی، محمدیوسف، (۱۳۷۹)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، انتشارات سمت، تهران
- ۲۱- مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، (۱۳۸۷)، اصفهان
- ۲۲- مشهدی زاده دهاقانی، (۱۳۷۸)، تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت

۲۳- ورجاوند، پرویز، (۱۳۶۶)، نقش و اهمیت برکه‌ها و آب‌انبارها در بافت شهرهای ایران، مجله

هنر و مردم، تهران

۲۴- نوبهار، رحیم، (۱۳۷۳)، سیمای مسجد، جلد دوم، قم

25- Abu-Lughod, (1983), Contemporary Relevance of Islamic Urban Principles, In Islamic Architecture and urbanism, A. Germen(ed). DFaisal University

26- Barrett, Peter (2004), Science and Theology Since Copernicus: The Search for Understanding, Continuum International Publishing Group, ISBN 08969-567-0

27- Clerget, Marcel, Le caire, 2 vols. (cairo,1934),I

28- Hourani, A. H.(1970),The Islamic Urban Studies: Historical Review and Perspective(ed), M.

29- Massignon, Louis, mission en Mesopotamia (1907-1908),2vols (cairo,1912),II

30- Subhi Y. Labib (1969), "Capitalism in Medieval Islam", The Journal of Economic History